

# تحلیل جرم از منظر قرآن کریم

غلامرضا پیوندی\*

## چکیده

حقوق کیفری را به یک شکل سه ضلعی می‌توان تشبیه کرد که یکی از اضلاع مهم آن، جرم یا پدیده مجرمانه است. شناخت ماهیت و مفهوم جرم از اهمیت بسیاری برخوردار است. در نظام جزایی اسلام، یکی از موضوعات قابل بحث، مفهوم و ماهیت جرم است. برخی آن را امر ممنوع شرعی می‌دانند که خداوند با وضع کیفر حد - به معنای اعم - یا تعزیر مشخص کرده است. امر ممنوع شرعی عبارت است از ارتکاب رفتار نهی شده یا ترک رفتاری که «مأمور به» می‌باشد. از سوی دیگر مهم‌ترین منبع شریعت، قرآن کریم است. جرم در این منبع مهم چگونه تعریف و بازشناسی می‌شود؟ پرسش اصلی این است که در قرآن کریم بر چه رفتاری جرم اطلاق می‌شود و اساساً ماهیت جرم در قرآن کریم چیست؟

در نوشتار حاضر با روش توصیفی تحلیلی و مستند به قرآن و روایات تفسیری، به مفهوم و ماهیت جرم - در معنای حقوقی آن - پرداخته شده است. به نظر می‌رسد جرم در زبان قرآن کریم عبارت از انجام دادن رفتاری است که شارع آن را منع کرده و برای آن کیفر قرار داده است. به عبارت دیگر جرم یعنی مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس که غالباً جنبه اجتماعی دارد؛ بنابراین جرم از نگاه قرآن کریم - از جمله هنگام نزدیکی معنای آن به معنای جرم اصطلاحی دارای مجازات - با مفاهیمی مانند «سینه»، «اثم» و... و ذکر مصادیق مجرمانه تبیین شده و بر اساس مصالح و مفاسد واقعیه از سوی شارع مشخص شده است.

**واژگان کلیدی:** پدیده مجرمانه، جرم، گناه، ماهیت جرم.

\* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو انجمن فقه و حقوق اسلامی حوزه علمیه  
(pyvandi@yahoo.com)

## مقدمه

در حقوق کیفری، جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده است. هر یک از حقوقدانان بر اساس عقاید خود و مکتبی که اختیار کرده‌اند، برای جرم تعریفی متناسب با اصول آن مکتب ارائه داده‌اند؛ برای مثال طرفداران مکتب «عدالت مطلقه»، جرم را به هر عملی که برخلاف اخلاق حسنه باشد، تطبیق کرده‌اند. کانت یکی از بنیان‌گذاران مکتب مذکور بر این باور است که اخلاق برای برقراری خیر مطلق بوده، از آنجاکه جرم برهم‌زننده نظم اخلاقی است، دولت باید مرتکب را مجازات نماید تا آن اختلال نظم اخلاقی جبران گردد (محسنی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۲). اشکال این تعریف آن است که تلازمی میان غیر اخلاقی بودن عمل و جرم بودن آن نیست. چه بسا عملی ضد اخلاقی باشد، ولی جرم قابل مجازات نباشد؛ مانند خودکشی.

در نظام هنجاری اسلام و به عبارتی در ادبیات شرعی و دینی با واژه‌های «اثم»، «ذنب»، «سئیه»، «منکر»، «فاحشه» و «جرم» روبه‌رو هستیم که اگر برای رفتار ناقض اوامر و نواهی شارع، ضمانت اجرای دنیوی (واکنش کیفری) در نظر گرفته شود، اصطلاح جرم اطلاق می‌شود؛ مانند حدود و قصاص که شارع مقدس برای اعمال و رفتارهای خاصی مجازات و کیفر مشخصی را در نظر می‌گیرد، ولی در بحث سایر موارد که جای بحث تعزیر است، اختلاف نظر دیده می‌شود و مشهور، در هر عمل حرامی برای حاکم شرعی، به «امکان تعزیر» قائل‌اند و در مقابل گروهی این کلیت را نمی‌پذیرند.<sup>۱</sup> این امر در جای خود محل بحث و مناقشه فراوان است (ر.ک: حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۹، ص ۲۹۰-۳۱۲/ منتظری، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۷۳-۴۷۶/ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۹۴-۲۹۷/ طایی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۸-۲۰۲).

در ادامه برای فهم صحیح جرم از منظر قرآن کریم، نخست به صورت مفهومی جرم و در ادامه از ماهیت جرم از منظر قرآن بحث را دنبال می‌کنیم.

۱. برخی فقها مطلق گفته‌اند: «و کلّ من فعل محرماً أو ترک واجباً عزّره الإمام بما براه ...» (علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۹) و برخی دیگر مشروط به کبیره بودن گناه کرده‌اند: «لاخلاف و لا إشکال نصّاً و فتوی فی أن کلّ من فعل محرماً أو ترک واجباً و کان من الكبائر فللإمام تعزیره» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۴۸). عده‌ای نیز در کلیت قاعده تردید و اشکال کرده‌اند و دلایل آن را نپذیرفته‌اند (ر.ک: موسوی گلپایگانی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۵۵-۱۵۶/ خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۷، ص ۱۲۱/ صافی گلپایگانی، ۱۳۶۳، ص ۱۳۹).

## ۱. واژه‌شناسی جرم

جرم (به ضم جیم) در لغت عربی به معنای گناه «ذنب» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۱۹/ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۸۸۵)، تعدی (ابن منظور، ۱۴۱۱، ج ۱۲، ص ۹۱) و باطل (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۰۰/ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۸) آمده است. جرم (به فتح جیم) به معنای قطع کردن (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۴۵/ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۸۸۵) و جدا کردن میوه از درخت است (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۲). این واژه هر چند به معنای کسب کردن نیز می‌باشد (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۴۶/ حمیری، ۱۴۱۲، ص ۲، ص ۱۰۶۵/ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۴۱۴)، ولی برای اکتساب هر کار ناپسند استعاره گرفته شده است (اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۲/ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۷۴).

به عقیده طبرسی، گناه را از آن رو جرم گویند که عمل واجب‌الوصل را قطع می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۵۵۷)؛ بنابراین گناهکار را از آن رو مجرم گویند که عمل صالح را قطع می‌کند. در لغت فارسی واژه جرم به معنای عصبان، تعدی و بزه آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۷۶۵۷). در زبان انگلیسی واژه‌های گوناگونی مانند «Crime»، «Felony» و «Offense» استعمال شده است (Clays, 2007, p.100, p370, 617 & 1081).

جرم در اصطلاح حقوق کیفری به معنای هر فعل یا ترک فعلی است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است (صانعی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳/ اردبیلی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۰) و از عبارات فقها و استعمال جرم در لسان آنان استفاده می‌شود که هیچ عملی را نمی‌توان جرم دانست، مگر اینکه مجازات آن در شرع تعیین شده باشد یا حاکم اسلامی به خاطر نقض مقررات حکومتی رفتارهایی را جرم‌انگاری می‌کند. در ادامه به موضوع بیشتر خواهیم پرداخت.

برخی جرم را فقط در ممنوعات شرعی (حنبلی، ۱۴۱۴، ص ۲۸۹) که کیفر دنیوی دارند، به کار برده‌اند و بقیه کارهای ممنوع را مصداق «معصیت»، «خطیئه» یا «إثم» دانسته‌اند (فیض، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۷۱). در اصطلاح شرعی نیز جرم عبارت است از انجام دادن فعل یا ترک فعلی که شارع برای آن مجازات تعیین کرده است (ر.ک: هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۷۴/ ولیدی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۶/ عوده، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۷). در واقع جرم یا گناه عبارت است از مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس (ر.ک: ماوردی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۱/ ولیدی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۶/ فیض، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۷۱/ عوده، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۷). رابطه میان مصادیق فقهی و حقوقی جرم، عموم و خصوص من وجه است؛ زیرا برخی

افعال همچون ترک نماز، دروغ و غیبت از منظر فقهی جرم به‌شمار می‌روند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۷۴)، در حالی که از منظر حقوقی جرم محسوب نمی‌شوند و برخی افعال، جرم حقوقی اند مانند عدم ثبت واقعه ازدواج (ر.ک: ماده ۴۴۵ ق.ا.م.ا)، ولی گناه محسوب نمی‌شوند. البته فقها به جای تعریف جرم، آن را به اعتبار انواع مجازات طبقه‌بندی و مورد بحث قرار داده‌اند (ر.ک: خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۵۳-۵۵۴).

در قرآن کریم سخنی از تعریف جرم نیامده است، بلکه مصادیقی از رفتارهای مجرمانه مستوجب مجازات بیان شده است و ما از مجموع این گونه آیات - مانند آیه سرقت، زنا، قذف و... - که تعداد آنها اتفاقاً محدود است، به جمع‌بندی و تعریفی از جرم که در اصطلاح فقهی بدان اشاره شد، دست می‌یابیم.

یکی از مفسران معاصر، جرم را با حقوق خداوندی پیوند می‌دهد و معتقد است ترک حق خدا یا خلق خدا، جرم محسوب می‌شود و چنین شخصی مجرم است و مجرم در محکمه عدل الهی مدیون می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰). برخی دیگر نیز قلمرو اصطلاح «جرم» را به گناهان بزرگ و کبیره محدود کرده‌اند و معتقدند منظور از جرم در قرآن، گناهان کبیره است (ملاحویش آل‌غازی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۱۴).

عالمان حقوق کیفری هر یک جرم را به‌گونه‌ای تعریف کرده‌اند. هر یک از این تعاریف اغلب از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی ملهم شده است؛ برای نمونه مکتب عدالت مطلق، جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده است. بنا به تعریف گاروفالو یکی از بنیانگذاران دانش جرم‌شناسی، جرم عبارت است از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی «جریمه‌دارکردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع‌خواهانه یعنی شفقت و درست‌کاری را شامل می‌شود» (ر.ک: اردبیلی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۹). جرم در دانش جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی (کنش اجتماعی) رفتاری انسانی است که مغایر با هنجارها و ارزش‌های متداول در جامعه به‌شمار می‌آید (ر.ک: پیکا، ۱۳۷۰، ص ۲۳). البته در جامعه‌شناسی از اصطلاح «کج‌روی» استفاده می‌شود و به اعمال غیراجتماعی اطلاق می‌گردد که با ضوابط و ارزش‌های اجتماعی مغایرت دارد؛ اعم از اینکه آن رفتار در قانون ممنوع شده باشد یا خیر! در نتیجه کج‌روی مفهومی وسیع‌تر از جرم دارد (ر.ک: گیدنز، ۱۳۸۹، ص ۱۴۹-۱۵۲). همچنین برخی گفته‌اند جرم، عملی ضداجتماعی است که به‌طور

طبیعی مخالف وجدان عمومی نیز باشد (معتمد، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۱۲۵/دهقان، ۱۳۷۵، ج ۱۷، ص ۷۴۰). در قرآن کریم برخی از مصادیق جرایم و مجازات آنها بیان شده و بخشی از ماهیت جرم به صراحت بیان نشده است. ماده «ج-ر-م» با مشتقاتش، ۶۶ مرتبه و در ۶۵ آیه (مانده: ۲ و ۸/انعام: ۵۵، ۱۲۳-۱۲۴ و ۱۴۷/اعراف: ۴۰، ۸۴ و ۱۳۳/انفال: ۸ نیز ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۱۶۶-۱۶۷) آمده است که در بیشتر موارد به معنای عام گناه و نافرمانی از دستورات الهی به کار رفته‌اند. در برخی موارد مانند کلمه «الْجَرَمُ» که پنج مرتبه در قرآن مجید آمده است (هود: ۲۲/نحل: ۲۳، ۶۲ و ۱۰۹/غافر: ۴۳)، در اصل به معنای لایب و لامحاله است؛ سپس در اثر کثرت استعمال به معنای قسم آمده و معنای «حَقًّا» می‌دهد (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۸۸۶). برخی از واژه‌های مرتبط با جرم مانند ذنب که با مشتقاتش ۳۹ مرتبه در قرآن آمده است (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۲۷۶)، به معنای عام گناه و معصیت می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۹۰). عَصَى و عصیان با مشتقاتش ۳۴ مرتبه (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۶۶۳-۶۶۴) به معنای نافرمانی، خلاف طاعت و خروج از طاعت (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۶۸۲)، واژه عتو به معنای تکبرورزیدن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۲۶/صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۳۱/ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۲۲۵)، تجاوز از حدّ (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۲۷/زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۶۵۵) و عصیان یا نافرمانی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۴۶/حمیری، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۴۳۶۰) ۱۰ مرتبه (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۴۴۵-۴۴۶)، ماده طغی با مشتقاتش ۳۹ مرتبه (همان، ص ۴۲۶-۴۲۷) به معنای تجاوز از حدّ در گناه (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۱۲/راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۲۰)، فسق با مشتقاتش ۵۴ مرتبه (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۵۱۹-۵۲۰) به معنای ترک کردن امر خدا (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۸۲) و خروج از طاعت (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۵۰۲)، بغی با مشتقاتش ۹۶ مرتبه (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۱۳۱-۱۳۳) در معانی متعددی همچون طلب (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۷۱/فیومی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۵۷)، تعدی (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۲۸)، فساد (ابن‌درید، ۱۹۸۷، ج ۱، ص ۳۷۰/ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۷۱) و فجور (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۴۵۳/صاحب‌بن‌عباد، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۱۴۱)، سینه و سوء با مشتقاتش ۱۶۷ مرتبه (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۳۶۷-۳۷۰) به معنای مکروه (حمیری، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۲۵۶)، قبیح (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۱۳) و بد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۴۶)، فاحشه و فحشاء به معنای قُبْح و زشتی (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۴۷۸/حمیری، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۵۱۱۲/ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۲۵) و قُبْح عظیم (راغب

اصفهان، ۱۴۱۲، ص ۶۲۶) به دو صورت فاحشه و فحشاء ۲۴ مرتبه (ر.ک: عبدالباقی، ۱۳۶۴، ص ۵۱۳) در قرآن کریم آمده است.

به نظر می‌رسد ادبیات قرآنی در مورد واژه جرم، همان سرپیچی از اوامر و نواهی شارع و قانونگذار است که در نظام حقوقی تعبیر رفتار مجرمانه یا جرم برای آن به کار می‌رود. در قرآن کریم از سویی برخی جرایم موجب حد مانند زنا (نور: ۲)، قذف (نور: ۴)، محاربه (مانده: ۳۳) و سرقت (مانده: ۳۸)، از سویی دیگر جرایمی همچون قتل (بقره: ۱۷۸-۱۷۹/نساء: ۹۲) و صدمات بدنی (مانده: ۴۵) که موجب قصاص و دیه می‌گردد و افزون‌براین، برخی جرایم موجب تعزیر مانند تخلف از شرکت در جهاد (توبه: ۱۱۸/نیز ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ص ۸۷) ذکر شده است. برخی از مفسران در ذیل آیه ۱۹ سوره نور درباره عبارت «لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا» براین باورند که منظور از عذاب دنیایی، همان حدود و تعزیرات و واکنش‌های اجتماعی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۰۴). همچنین طبرسی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۵) در ذیل عبارت «وَالَّذَانِ يَأْتِيَانَهَا مِنْكُمْ فَادُّوهُمَا» از آیه ۱۶ سوره نساء دو معنا ذکر کرده است که هر دو منطبق بر تعزیرات می‌باشد؛ در نتیجه از منظر فقها سه بخش «جرایم حدی»، «جرایم موجب قصاص و دیه» و «جرایم تعزیری» شکل گرفته است.

محدثان در منابع روایی، روایات را در مورد مصادیق جرم طبقه‌بندی کرده‌اند؛ از جمله شیخ حرّ عاملی سه عنوان مستقل کتاب الحدود والتعزیرات (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۸، ص ۹) کتاب القصاص (ر.ک: همان، ج ۲۹، ص ۵) و کتاب الدیات (ر.ک: همان، ص ۱۸۹) را آورده است. در منابع فقهی نیز هماهنگ با منابع روایی، به کتاب الحدود، کتاب القصاص و کتاب الدیات پرداخته‌اند (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۱۱۴/محقق حلّی، ۱۴۰۸، ج ۴، صص ۱۳۶، ۱۸۰ و ۲۲۸/نیز ر.ک: خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، صص ۴۵۵، ۵۰۸ و ۵۵۳).

## ۲. ماهیت جرم

جرم با رویکردهای گوناگون در دانش حقوق، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی مورد شناسایی قرار گرفته است. از نگاه حقوقی، جرم رفتاری است که در قانون برای آن کیفر تعیین شده است. قانونگذار بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر اجتماع، برخی رفتارهای ممنوع را جرم‌انگاری

می‌کند (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲)؛ در نتیجه ماهیت جرم، امری قراردادی و اعتباری است؛ یعنی حسب اینکه قانونگذار رفتاری را ممنوع و برای آن مجازات در نظر گرفته باشد، می‌توان آن رفتار را جرم دانست؛ پس اگر اعتبار قانونگذار نباشد، هر چند آن عمل زیانبار بوده و پیامدها و تبعات بسیار ناگوار به دنبال داشته باشد، نمی‌توان آن عمل را جرم دانست.

اما در رویکرد جامعه‌شناختی و نیز جرم‌شناختی، جرم امری اعتباری و صرفاً قراردادی نیست، بلکه صاحب‌نظران این علوم به دنبال شناخت حقیقت جرم‌اند و دقیقاً به همین دلیل جرم‌شناسی تعاریف حقوقی جرم را مورد نقد قرار می‌دهد؛ بر این اساس برخی جرم‌شناسان، ماهیت جرم را نه به اعتبار قانونگذار، بلکه به تبعات و آثار زیانبار اجتماعی رفتار می‌دانند. برخی دیگر نیز بر این باورند که جرم هنگامی واقع می‌شود که حقی از حقوق بشر نقض شده باشد. این برداشت، تعریف جرم را تا آنجا گسترش می‌دهد که رسوم ظالمانه‌ای مانند نژادپرستی، جنس‌گرایی و بهره‌کشی‌های ریشه‌گرفته در طبقات اجتماعی را نیز دربرمی‌گیرد (ر.ک: وایت، ۱۳۹۰، ص ۴۳-۴۴). در زبان قرآن کریم، جرم عبارت است از انجام رفتاری که شارع آن را منع کرده و برای آن کیفر قرار داده است. به عبارت دیگر جرم یا گناه عبارت است از مخالفت با اوامر و نواهی شارع مقدس. این تعریف از مجموع آیاتی که رفتارهایی را ممنوع کرده و در مواردی مانند قتل، محاربه، سرقت و... کیفر آن را بیان کرده است و در مواردی مانند شرب خمر ممنوعیت را بیان نموده، ولی کیفر آن از طریق سنت تعیین شده است، قابل استنباط و استخراج می‌باشد.

در اینجا مناسب به نظر می‌رسد به رویکردهای گوناگون در مورد ماهیت جرم بر اساس مبانی گوناگون اشاره شود. در این باره چپستی جرم نیز دستخوش تغییرات اساسی شده است. برخی با این مبنا که جرم پدیده‌ای اعتباری و ذهنی است، معتقدند که ماهیتاً قابل شناسایی نبوده و بر همین اساس ادعای تعریف ناپذیری جرم (عالی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲) مطرح شده است و با وجود برخی مخالفت‌ها (هادوی تهرانی، ۱۳۸۹، ص ۷۱) نسبت به تعریف جرم (عالی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۸۳) طرح شده و طبیعت آن وابسته به زمان دانسته شده است (وایت، ۱۳۹۰، ص ۴۸). حتی اصل وجود جرم، محل اختلاف، مناقشه و انکار قرار گرفته است و موجب به وجود آمدن دو گرایش عینیت‌گرایی (شاملو، ۱۳۹۴، ص ۴۴) یا ذات‌باوری (گسن، ۱۳۷۹، ص ۶۳) و ذهنیت‌گرایی (شاملو، ۱۳۹۴، ص ۴۶) یا نسبیت‌باوری (ر.ک: عالی‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱-۱۹۴) شده است که جرم را بنای

خودسرانه نظام اجتماعی (گسن، ۱۳۷۹، ص ۶۴) و ساخته سه عنصر ذهنیت، قدرت و گفتمان (صادقی فسایی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۸) می‌داند.

اما برخی به خود تعریف و چگونگی جرم می‌پردازند که باتوجه به مرحله قبل جرم در حقوق کیفری، یا باید از طریق مصادیق مجرمانه معرفی شود (ر.ک: دورکیم، ۱۳۸۱، ص ۶۹-۷۰)، یا از تعاریف و مفاهیم رشته‌های دیگر از دید فلسفی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و اخلاقی باید سود برد (ر.ک: وایت، ۱۳۹۰، ص ۴۱). طبق این مبنا، ماهیت جرم چیزی نیست جز مخالفت با افکار و وجدان جمعی (ر.ک: دهقان، ۱۳۷۵، ج ۱۷، ص ۷۴۰)، جریحه‌دار ساختن احساسات عمومی (دورکیم، ۱۳۸۷، ص ۸۳)، نقض آشکار هنجارهای اجتماعی (کارو، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۱۵۶) و محصول اراده حکومت (جاویدی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۲). درنهایت عده‌ای جرم را با دیگر عناوین مشابه مقایسه می‌کنند تا ماهیت آن شفاف‌تر گردد. تعابیری مانند انحراف و تخلف و تعابیر قرآنی چون ذنب، معصیت، اثم، سیئه، جرم، حرام، خطیئه، فسق، فساد، فجور، منکر، فاحشه، خبث، شر، لثم، وزر و ثقل و حنث (ر.ک: قرانتی، ۱۳۸۶، ص ۷-۱۰). دراین میان واژه جرم در اصطلاح قرآنی به معنای کار زشت و ناپسند (ر.ک: فیض، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۶۸-۷۰) و در اصطلاح فقهی به معنای گناه به کار رفته است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۷۴) که گناه در قرآن کریم به دو دسته گناهان کبیره و گناهان صغیره تقسیم می‌گردد (ر.ک: نساء: ۳۱/ کهف: ۴۹/ شوری: ۳۷): «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ» (شوری: ۳۷). البته فواحش به گناهانی اطلاق می‌شود که عقل به قبح و رشتی آن حکم می‌کند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۴۹۷). گناه و معصیت عبارت است از مخالفت عمدی با اوامر (عبدالمنعم، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۳۱۷/ ابو حبیب، ۱۴۰۸، ص ۲۵۲) و نواهی الهی (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۲۶۱) یا به تعبیر دیگر انجام عمدی محرمات و ترک عمدی واجبات؛ هرچند گناه ماهیتی دینی دارد، برخلاف جرم قانونی که از سوی قانونگذاران دنیا شکل گرفته است و ماهیتی صرفاً این‌جهانی، عرفی و اجتماعی دارد و برای نظام ظاهری زندگی دنیوی به وجود آمده است (هاینریش یشک، ۱۳۷۸، ص ۱۰۹). اگر منظور از گناه، هر فعل و ترک فعلی باشد که نقض قوانین الهی را شامل باشد، پس در صورت اتخاذ قوانین بشری از قوانین الهی، گناه به معنای جرمی است که متعاقب آن مجازات الهی و بشری را به دنبال دارد. از منظر اسلام و قرآن کریم، برخورداری از ماهیت دینی به دلیل ابتنای احکام بر مفاسد و مصالح واقعیه (ر.ک: علیدوست،



۱۳۸۴، صص ۹-۳۲)، در واقع به معنای برخورداری هم‌زمان از ماهیت معنوی و مادی می‌باشد که شامل ابعاد مذکور می‌گردد؛ براین اساس باید گفت از نگاه قرآن کریم ماهیت گناه - و از جمله هنگام نزدیکی معنای آن به معنای جرم اصطلاحی دارای مجازات - واقعی است، نه ساخته خودسرانه نظام اجتماعی (گسن، ۱۳۷۹، ص ۶۴) و نه برساخته سه عنصر ذهنیت، قدرت و گفتمان، بلکه مرهون و حاصل تشریح و قانونگذاری خداوند متعال می‌باشد.

### ۳. رابطه جرم به مفهوم حقوقی و گناه در اصطلاح فقهی

درباره رابطه مفهوم جرم و گناه، نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی براین باورند که میان این دو مفهوم، همسانی و ترادف وجود دارد. غالب فقهای عامه (ماوردی، ۱۳۸۶، ص ۲۳۶/ ابن‌قدامة، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۳۴۷/ نیز ر.ک: قرشی ابن‌الإخوه، ۱۹۳۷، ص ۱۹۰-۱۹۲) و امامیه از قدما (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۶۶/ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۳، ص ۴۱۶-۴۱۷/ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۵۳۴-۵۳۵/ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۵۵) و معاصران (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۶، ص ۶۲/ خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۷/ خوبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۳۷) معتقدند هرکسی معصیتی کند و مجازاتی برای آن مشخص نشده باشد، تعزیر می‌شود. مطابق این دیدگاه، همه محرمات شرعی بدون کیفر و مجازات معین «قابل تعزیر» هستند و گستره مجازات، همه محرمات و معاصی شرعی اعم از انجام عمل حرام یا ترک واجب را فرامی‌گیرد.

نظر دوم مبتنی بر اعتقاد به عدم تساوی این دو مفهوم است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، صص ۳۷ و ۴۶/ حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۹، صص ۲۹۵-۲۹۶) و با ذکر اینکه دلیلی - از جمله دلیلی قرآنی - بر عمومیت تعزیر نسبت به همه گناهان وجود ندارد (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹)، رابطه جرم و گناه را عموم و خصوص من وجه (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۷۴/ کرباسی، ۱۳۸۱، ص ۷۱/ حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۶) دانسته‌اند؛ بدین ترتیب با برشماری مواردی از تجریم غیرگناه، گناه بودن برخی جرایم را نفی کرده‌اند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۵)؛ همچنان‌که رابطه عموم و خصوص مطلق میان آنها نیز قابل فرض دانسته شده است (سیدحسینی تاشی، ۱۳۸۶، ص ۱۰). برخی دیگر با رد هرگونه تلازم میان جرم و گناه، مفهوم گناه را صرفاً شرعی و مفهوم جرم را صرفاً حکومتی دانسته‌اند و اتحاد و اجتماع این دو ماهیت را ناممکن تلقی کرده‌اند (همان، ص ۷۷). به نظر می‌رسد دلیل این گروه این باشد که نمی‌توان از طریق

واژه «جرم» و مشتقاتش در قرآن، به مفهوم حقوقی جرم دست یافت؛ به عبارت دیگر واژه مزبور در قرآن کریم هیچ‌گاه به مفهوم جرم و بزه به معنای اصطلاحی و حقوقی به کار نرفته است، بلکه می‌توان از واژه‌هایی مانند اثم و معصیت، مفهوم جرم را استنباط کرد. اصطلاح جرم در بیشتر موارد از نظر مفهومی به معنای عام گناه به کار رفته است و با توجه به قراین موجود، در همه موارد مصداقاً به کفر و شرک اطلاق شده است.

براین اساس اینکه برخی واژه جرم در قرآن را به معنای حقوقی و اصطلاحی پنداشته‌اند (ر.ک: رشادتی، ۱۳۸۷، ص ۵۱-۳۹) یا ارتباطی میان آن قائل شده‌اند (فیض، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۶۹) یا با استفاده از این واژه درصدد احصای فضای قرآن در حوزه جرم و بزه بوده‌اند (قیاسی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۳)، نادرست است. البته به نظر می‌رسد با مراجعه به مفهوم جرم (مخالفت با فرامین الهی) در قرآن کریم و بیان برخی مصادیق مجرمانه مانند سرقت و... می‌توان مفهوم حقوقی از جرم را مستند به قرآن کرد. درغیراین صورت ممکن است این‌گونه استدلال شود که اگرچه از طریق واژه جرم در قرآن نمی‌توان به مفهوم جرم حقوقی دست یافت، ولی از مفهوم واژه‌های دیگر چون گناه و معصیت می‌توان مفهوم حقوقی جرم را استنباط کرد.

در همین جهت برخی (کدخدایی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷) با استناد به نظر برخی مفسران (مقدس اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۳۱۰/کاظمی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۲۴)، به ذکر یک آیه به‌عنوان مؤید پرداخته‌اند: «الْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ» (بقره: ۱۹۴). ارتکاب هر حرمتی موجب قصاص است و هرچیزی که محافظت بر آن واجب باشد، اگر هتک حرمت شود، قصاص دارد.

همچنین برخی نیز با قائل شدن تفاوت میان صدر اسلام و دوران معاصر، رابطه جرم و گناه را در صدر اسلام تساوی دانسته‌اند (قیاسی، ۱۳۸۸، ص ۱۲/همو، ۱۳۸۵، ص ۲۵۳) و در حال حاضر به تنگ کردن دایره مجرم گناهان معتقد گشته‌اند (ر.ک: قیاسی، ۱۳۸۸، ص ۱۹-۲۱). با وجود اینکه شهرت عظیمی (موسوی خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۳۷) بر مفاد قاعده «التعزیر فی کل معصیة» وجود دارد و طبعاً قاعده شامل گناهان کبیره و صغیره می‌باشد (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۸۱/طایی، ۱۳۸۱، ص ۵۰)، برخی تعزیر را به گناه کبیره اختصاص داده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۴۸/خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۴۷۷). هرچند بنا بر نظری (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۴۹-۴۴۸/موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۷/فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲، ص ۴۱۹) با استناد به یک آیه قرآن کریم (نساء: ۳۱)، می‌توان تعزیر مرتکب صغائر مجتنب‌الکبائر را خارج از عموم قاعده قلمداد کرد: «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ

نُكْفِرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ نُذَخِلْكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا». آیه شریفه اشاره به ارتکاب به غیرکبائر دارد (صادق تهرانى، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۸۳). مفسران متفقاً گفته‌اند: منظور از کلمه سینات، غیر از کلمه کبائر است؛ یعنی اگر کسی از گناهان کبیره اجتناب کند، گناهان صغیره او را محو می‌کنیم (ر.ک: نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۲۰۷). در عین حال همین دیدگاه سوم نیز مورد نقد قرار گرفته است (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۱۵/ طائی، ۱۳۸۱، ص ۵۰). برخی در این باره ضمن اصل دانستن عدم تعزیر - با توجه به ادله از جمله آیات قرآن و بدون اشاره به آیه‌ای خاص - تعزیر را فقط در خصوص مواردی که به تشخیص حاکم موجب آزار مردم، اخلال در نظام، هتک حیثیات، فساد امور، اختلال در امنیت عمومی و اعتماد مردم به یکدیگر می‌گردد، جایز دانسته‌اند و در موارد مشکوک، اصل را مقتضی عدم جواز می‌دانند (صافی گلپایگانی، ۱۳۶۳، ص ۷۷).

با تفصیل ذکر شده، در هر سه دیدگاه، هم برای ارتکاب جرم و هم برای ارتکاب گناه واکنش تعیین شده است. واکنش تعیین شده علیه جرم، واکنشی دنیوی و قضایی به نام مجازات است و واکنش تعیین شده علیه گناه، در همه موارد واکنشی اخروی به نام عقاب و در برخی موارد واکنشی دنیوی با نام‌های گوناگون است. واکنش دنیوی گاه واکنشی تکوینی است که آن را جزای مبتنی بر سنت الهی می‌نامند (ر.ک: کعبی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰-۱۱۲): «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا» (مانده: ۶۵) و گاهی واکنشی تشریحی، اما از جنس فردی است که آن را کفاره می‌نامند (حسینی، ۱۳۸۳، صص ۱۲۳ و ۱۳۶): «وَ الْجُرُوحِ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ» (مانده: ۴۵) و «وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ» (مانده: ۸۹)، گاهی نیز واکنشی تشریحی و اجتماعی اما غیرقضایی است که آن را نهی از منکر می‌نامند: «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۱۴). فقط در صورتی که گناه با واکنشی دنیوی، تشریحی، اجتماعی و قضایی (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۰) آن هم رنج‌آلود (کاتینگهام، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸) مواجه گردد، آن را مجازات به معنای فنی حقوقی می‌نامیم و آن گناه را جرم می‌دانیم.

#### ۴. طبقه‌بندی جرایم

جرایم با توجه به عناصر تشکیل دهنده آن، تقسیم‌بندی مجزایی را می‌طلبند و انواع و مصادیق

گوناگونی می‌یابد:

#### ۴-۱. طبقه‌بندی بر اساس رکن قانونی

جرایم از منظر عنصر قانونی جرم به چند طبقه تقسیم می‌شود؛ گاهی بر اساس شدت و ضعف جرایم به جنایت، جنحه و امور خلافی تقسیم می‌شود و گاهی به جرایم نظام، عمومی و... تقسیم می‌شود (ر.ک: صانعی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۳۸-۳۷۵). در بیشتر نظام‌های جزایی به این شیوه جرایم را طبقه‌بندی کرده‌اند، اما جرایم از منظر عنصر قانونی جرم در قرآن کریم و کتب تفسیری-فقهی، به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته است. با مطالعه دقیق در منابع و متون اسلامی به خصوص در ابواب قضا، حدود، قصاص و سخنان فقها به خوبی می‌توان مدلول عنصر قانونی جرم و مجازات‌های اسلامی را استخراج و مورد بحث قرار داد (ر.ک: ولیدی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۳-۲۱). قرآن کریم گاهی از این دست رفتارها همچون سرقت «و لایسرفن» (ممتحنه: ۱۲) و «السارق والسارقة فاقطعوا» (مانده: ۳۸) یا قتل «و لا تقتلوا النفس التي حرم الله» (اسراء: ۳۳) و «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل» (بقره: ۱۷۸) یا ممنوعیت شرب خمر یا قمار «یا ایها الذین آمنوا إنما الحمر والمیسر والأنصاب والأزلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه» (مانده: ۹۰) نهی کرده است. بر پایه این رکن قانونی، تا عملی به عنوان گناه از ناحیه پروردگار تبیین نشود، خداوند مرتکب را مجازات نمی‌کند.

#### ۴-۲. طبقه‌بندی بر اساس رکن مادی

جرایم از منظر عنصر مادی و بر اساس دوام رفتار مجرمانه به جرایم آنی و مستمر (اردبیلی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۱۲) و بر اساس اجزای عنصر مادی به جرم ساده و مرکب و جرم به عادت (ولیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶) و از حیث نتیجه، به جرایم مطلق و مقید (صانعی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۶/ولیدی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶) تقسیم می‌گردد. در قرآن کریم و منابع دیگر، سخنی از رکن مادی و طبقه‌بندی به این شکل نیامده است، اما می‌توان از برخی آیات ضرورت ارتکاب رفتاری برای تحقق جرم استنباط کرد. منظور از رکن مادی، بروز بیرونی اندیشه مجرمانه است؛ بدین معنا که باید فعل یا ترک فعلی که از نظر قانون جرم است، از شخص سرزده باشد (صانعی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴)؛ در نتیجه صرف داشتن یک فکر، جرم نیست و باید این اندیشه بروز بیرونی یابد. البته رکن مادی را از آیاتی مانند «و جزاء سیمیه سیمیه مثلها...» (شوری: ۴۰) یا «و من یقتل مؤمناً متعمداً» (نساء: ۹۳) و... می‌توان استفاده کرد.

### ۴-۳. طبقه‌بندی بر اساس رکن روانی

جرایم از منظر عنصر معنوی به دو دسته کلی جرایم عمدی و غیرعمدی تقسیم می‌شوند. برخی جرایم از جمله قتل، به هر دو صورت قابل ارتکاب‌اند و از همین روست که دو جرم قتل عمدی و غیرعمدی در مقررات کیفری وجود دارد و در آیات قرآن کریم نیز به بیان قتل عمد: «مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا» (نساء: ۹۳) و قصاص قاتل: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ» (بقره: ۱۷۸) پرداخته است. برخی دیگر از جرایم فقط به صورت عمد قابل ارتکاب است و صورت غیرعمدی آن جرم نیست؛ مانند خیانت در امانت یا سرقت که عامداً ارتکاب می‌یابند و جرایمی چون تصادفات رانندگی جرحی (منجر به جرح یا فوت) به صورت غیرعمد ارتکاب می‌یابند (ر.ک: ولیدی، ۱۳۸۲، صص ۲۴۹، ۲۶۸-۲۶۹).

### ۴-۴. طبقه‌بندی جرایم بر اساس مجازات‌ها

در نظام کیفری اسلام، طبقه‌بندی جرایم بر اساس مجازات‌هاست؛ بنابراین جرایم عمدی را می‌توان از نگاه قرآنی در سه دسته کلی جای داد: گناهان موجب حدّ، گناهان موجب قصاص و گناهان موجب تعزیر.

دسته اول، که با مجازات حقوقی مواجه می‌گردند، حدودند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲). در مورد تعداد حدود، اختلاف است و بین ۸ تا ۲۳ جرم حدّی ذکر شده است (ر.ک: حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۹، صص ۳۹-۴۱). تعداد چهار مورد از آن با عناوین حدّ زنا: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» (نور: ۲)، سرقت «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً» (مائده: ۳۸)، قذف: «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا» (نور: ۴) و محاربه: «إِنَّمَا جِزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ» (مائده: ۳۳) در قرآن با صراحت ذکر شده است و بقیه از سنت استفاده می‌شود. البته گناه و حرام بودن همه رفتارهایی که با حدّ مواجه می‌شوند، محل تردید قرار گرفته است (ر.ک: حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۹، صص ۱۵۵-۱۵۶)، ولی هر گناه حدّی، حتماً با مجازاتی تعیین شده روبه‌رو خواهد بود؛ بنابراین همه گناهان حدّی، جرم‌اند (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲).

دسته دوم، به اصطلاح فقهی جنایات اند که برای اولیای مقتول یا خودِ مجنی علیه، حق قصاص در نظر گرفته شده است: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل... \* وَ لَکُمْ فِی الْقِصَاصِ حَیَاةٌ» (بقره: ۱۷۸-۱۷۹) که باید به صورت عادلانه و مساوات اجرا شود: «وَ کَتَبْنَا عَلَیْهِمْ فِیْهَا اَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَیْنَ بِالْعَیْنِ وَالْاَنْفَ بِالْاَنْفِ وَالْاُذُنَ بِالْاُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا» (مائده: ۴۵)؛ براین اساس قصاص می تواند مجازاتی معین باشد و در نتیجه قتل، جرح و... جرم به حساب آیند (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲)؛ هر چند حق قصاص در اختیار اولیای دم (اسراء: ۳۳) یا مجنی علیه است (مائده: ۴۵).

دسته سوم، گناهان هستند که موجب تعزیرند. ماده عزیر با مشتقاتش فقط سه مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است (مائده: ۱۲/اعراف: ۱۵۷/فتح: ۹) که در هر سه مورد در معنای لغوی استعمال شده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۶۵/همان، ج ۴، ص ۷۵۰/همان، ج ۹، ص ۱۷۱) و به معنای اصطلاحی فقهی به کار نرفته است (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۶۸/غلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۷). برای مشروعیت اصل تعزیر از دیدگاه قرآن کریم، برخی به منطوق یک آیه (نور: ۱۹/ر.ک: اردبیلی، [بی تا]، ص ۳۸۷) و برخی به مفهوم آیه ای دیگر (احزاب: ۵۸/ر.ک: طباطبایی، ۱۳۱۷، ج ۱۶، ص ۳۳۹/مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۲۳) استناد کرده اند. مصادیقی از گناهان موجب تعزیر در قرآن کریم ذکر شده است؛ از جمله به نظر برخی (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۱۰، ص ۱۷۶-۱۷۸) تخلف از شرکت در جهاد (توبه: ۱۱۸)، خودداری از پرداخت زکات (ر.ک: توبه: ۷۵-۷۸) و بنا بر احتمالی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۱۰، ص ۱۷۹)، زنا یا غیر محصنه پیش از نزول آیه دوم سوره نور (نساء: ۱۶/نیز ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۱۰، ص ۱۷۹) و نشوز (نساء: ۳۴/نیز ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۱۰، ص ۱۷۹-۱۸۰) و به نظر برخی دیگر (انصاری و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۴) نسبت دادن دروغ به خداوند متعال (توبه: ۳۰)، تخلف از حکم جهاد (ر.ک: توبه: ۸۲ و ۸۴) و احداث مسجد برای توطئه علیه اسلام (توبه: ۱۰۷-۱۰۸) که با توییح های تعزیری روبه رو شده اند (انصاری و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۲۴). هر چند تعزیر بودن برخی توییح ها و در نتیجه گناه تعزیری بودن رفتار مربوطه همچون نسبت دادن دروغ به خداوند متعال، محل تردید است.

دسته چهارم نیز جرایم غیر عمدی است که در قالب دیه تعیین شده است و مجازات آن مال معینی بوده که به سبب جنایت بر نفس یا کمتر از نفس پرداخت می شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۵،

ص ۳۱۵/نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۳/خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۵۳). این واژه در قرآن کریم نیز به همین معنا استعمال شده است: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ» (نساء: ۹۲). اینکه دیه را مجازات در جرایم غیر عمدی محسوب می‌کنیم، در صورتی است که دیه را مجازات بدانیم؛ همان‌گونه که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ نیز در زمره مجازات‌ها ذکر شده است و اگر جبران خسارت بدانیم (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۲-۱۲۳)، دیگر جرم بودن آن مطرح نخواهد بود (ر.ک: مرعشی شوشتری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹). البته غیر از دیات، رفتاری که همراه با تقصیر یا خطای جزایی باشد نیز جزء جرایم غیر عمدی محسوب می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴۶) و آن انجام کاری است که در ارتکاب آن، احتمال ایراد صدمه یا ضرر و زیان به دیگری و یا اختلال در امری از امور اجتماعی وجود دارد (شامبیانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۴۱۵-۴۱۶) که قصد مجرمانه در آن منتفی می‌باشد و به همین دلیل در این جرایم، عنصر روانی به جای سوء نیت از تقصیر (خطای جزایی) تشکیل می‌شود (صانعی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۰۸ و ۳۲۶). تقسیم‌بندی دیگری که تا اندازه زیادی به قابل گذشت و غیر قابل گذشت بودن جرایم ارتباط می‌یابد، تقسیم‌بندی جرایم به حق‌الله و حق‌الناس است (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۷-۱۳۸). برخی فقهای امامیه نیز از این حیث حقوق را سه نوع دانسته‌اند: حق‌الناس محض، حق‌الله محض و حق‌اللهی که حق‌الناس نیز به آن تعلق می‌گیرد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۱۶۳/ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۹۵). نتیجه آنکه همه گناهان موجب حد، همه گناهان موجب قصاص، همه گناهان موجب دیه هماهنگ با مفهوم قرآنی جرم، جرم‌اند؛ از این‌رو تشخیص رابطه جرم و گناه، در گرو تشخیص رابطه جرم و گناهان موجب تعزیر است.

البته نمی‌توان مفهوم جرم را با واژه‌های قرآنی شبیه به این معنا صددرصد یکی دانست، ولی تعبیر مشابهی چون ذنب و معصیت، به ماهیت جرم نزدیک بوده و دارای واکنش دنیوی و اخروی است. جرم فقط یک معنا دارد و آن قطع است و گناه را بدان‌سبب جرم گویند که شخص را از سعادت و رحمت خدا قطع می‌کند و گناهکار را مجرم می‌گوییم؛ زیرا در اثر گناه، خود را از رحمت و سعادت و راه صحیح انسانیت قطع می‌کند. در آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِّي افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَ أَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ» نیز «فَعَلَىٰ إِجْرَامِي» یعنی گناه جرم بر عهده خودم به‌تنبهایی است. در واقع اجرام، قطع کردن است که برخلاف حق باشد و مجرم در درجه اول کسی است که خود را از

مقامات لاهوت قطع کند و از افاضات حق متعال و از رحمت‌های او محروم گردد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۱، ص ۱۸۹).

## نتیجه

باتوجه به اینکه واژه جرم به مفهوم حقوقی آن در قرآن کریم نیامده است، تحلیل جرم با مراجعه به آیات مختلف و مصادیق مجرمانه ذکر شده در قرآن به دست می‌آید؛ بنابراین بر اساس مباحث مطرح شده در مقاله حاضر، نتایج ذیل قابل توجه است:

۱. برای تعریف جرم از منظر قرآن کریم، نباید به دنبال کلمه جرم باشیم و تعریف به حدّ و رسم و حتی تعریف به اسم و معنا پیدا کنیم، بلکه باید به دنبال ماهیت جرم با توجه به اصطلاحات و واژه‌هایی مانند سیئه، ذنب، و... در قرآن کریم باشیم که در قرآن وجود دارد. همچنین با ذکر مصادیق رفتارهایی که خداوند در آیات برای آن مجازات تعیین کرده است - مانند سرقت، زنا، قتل و... - می‌توان گفت جرم از منظر قرآن کریم مخالفت با اوامر و نواهی است که طبق قاعده «کل من خالف الشرع...» عقوبت دارد.

۲. درباره ماهیت جرم بر اساس مبانی غیراسلامی، جرم چیزی نیست جز مخالفت با افکار و وجدان جمعی، جریحه‌دار ساختن احساسات عمومی، نقض آشکار هنجارهای اجتماعی، محصول اراده حکومت و... ولی از منظر اسلامی و به‌ویژه از مجموع آیات مرتبط، جرم یا گناه به دلیل برخورداری از ماهیت دینی با ابتدای احکام بر مفاسد و مصالح واقعی، هم‌زمان از ماهیت معنوی و مادی برخوردار است.

۳. بر اساس مطالب و نتیجه بند پیشین، باید گفت از نگاه قرآن کریم ماهیت جرم یا در مفهوم وسیع‌تر گناه و از جمله هنگام نزدیکی معنای آن به معنای جرم اصطلاحی دارای مجازات، واقعی بوده، نه ساخته خودسرانه نظام اجتماعی و نه برساخته سه عنصر ذهنیت، قدرت و گفتمان، بلکه مرهون و حاصل تشریح و قانونگذاری خداوند متعال است.

۴. در مورد رابطه میان گناه و جرم، به‌رغم وجود دیدگاه‌ها و رویکردهای گوناگون، به نظر می‌رسد رابطه عموم و خصوص من‌وجه باشد؛ برخی رفتارها هم گناه شرعی و هم جرم حقوقی است؛ مانند سرقت و... برخی رفتارها گناه شرعی است، ولی جرم نیست - البته بر مبنای کسانی



که معتقدند فقط گناهان دارای جنبه اجتماعی یا ضرر جرم‌اند - مانند حسادت، دروغ و... و در نهایت برخی رفتارها جرم است، ولی گناه شرعی نیست - البته علی‌المبنا - مانند جرم‌انگاری امور مباحی که برای انتظام جامعه است؛ همچون برخی از جرایم رانندگی.

۵. بر اساس نکات بند پیشین، از منظر قرآن کریم هم برای ارتکاب جرم واکنش تعیین شده است و هم برای ارتکاب گناه. واکنش تعیین شده علیه جرم، واکنشی دنیوی و قضایی به نام مجازات است و واکنش تعیین شده علیه گناه، در همه موارد واکنشی اخروی به نام عقاب و در برخی موارد واکنشی دنیوی به نام‌های مختلف است. واکنش دنیوی گاهی واکنشی تکوینی است که آن را جزای مبتنی بر سنت الهی می‌نامند و گاه واکنشی تشریحی، اما از جنس فردی است که آن را کفاره می‌نامند. همچنین گاهی واکنشی تشریحی و اجتماعی اما غیرقضایی است که آن را نهی از منکر می‌نامند؛ در نتیجه فقط در صورتی که گناه با واکنشی دنیوی، تشریحی، اجتماعی و قضایی آن هم رنج‌آلود مواجه گردد، آن را مجازات به معنای فنی حقوقی می‌نامیم یا آن گناه را جرم می‌دانیم.

۶. در مورد تعزیر نسبت به هر رفتار حرام، نظرات متفاوتی مطرح شده است. به نظر می‌رسد محرماتی که جنبه عمومی و اجتماعی دارد، می‌تواند دارای تعزیر شرعی باشد و بر اساس مبانی گوناگون - مانند ضرر، اذاء یا ... - و مصالح اجتماعی، قابلیت جرم‌انگاری توسط حکومت اسلامی را دارد.

## منابع

۱. ابن‌درید، محمد بن حسن؛ جمهرة اللغة؛ تحقيق رمزي منير بعلبكي؛ بيروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷م.
۲. ابن‌سیده، علی بن اسماعیل؛ المحکم والمحيط الأعظم؛ تحقيق عبدالحميد هنداوی؛ بيروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۳. ابن‌فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقائیس اللغة؛ تحقيق عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن‌قدامه، عبدالله بن احمد؛ المغنی؛ بيروت: دارالکتب العربی، [بی‌تا].
۵. ابن‌منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. ابوحیب، سعدي؛ القاموس الفقهي لغةً و اصطلاحاً؛ دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۸ق.
۷. ابوصلاح حلبی، تقی بن نجم؛ الکافی فی الفقه؛ تحقيق رضا استادی؛ اصفهان: مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علیؑ العامه، ۱۴۰۳ق.
۸. ابویعلیٰ حنبلی، محمد بن حسین؛ الأحكام السلطانية؛ بيروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۹. اردبیلی، احمد بن محمد؛ زبدة البیان فی أحكام القرآن؛ تهران: کتابفروشی مرتضوی، [بی‌تا].
۱۰. اردبیلی، محمد علی؛ حقوق جزای عمومی؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰.
۱۱. ازهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة؛ تحقيق محمد عوض مرعب؛ بيروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
۱۲. اسدی حلّی (علامه حلّی)، حسن بن یوسف بن مطهر؛ إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۰ق.
۱۳. اشتاین سالتز، آدین؛ سیری در تلمود؛ ترجمه باقر طالبی دارابی؛ قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳.
۱۴. انصاری، قدرت‌الله و دیگران؛ تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۵. پیکا، ژرژ؛ جرم‌شناسی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ تهران: انتشارات دانشگاه

- شهید بهشتی، ۱۳۷۰.
۱۶. جاویدی، مجتبی؛ «ماهیت جرم از دیدگاه دورکیم، با رویکردی روش‌شناسانه»، معرفت فرهنگی اجتماعی؛ ش ۲۹، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۵-۱۳۴.
۱۷. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۸۴.
۱۸. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية؛ تحقیق احمد عبدالغفور عطار؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۱۹. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ قواعد فقه جزایی (حدود و تعزیرات، قصاص و دیات)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۲۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسه آل‌البتیة لإحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۲۱. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تحقیق علی شیری؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۲۲. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۲۳. حلّی (محقق حلّی)، جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال؛ قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۲۴. حلّی، محمد بن منصور؛ السرائر؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲۵. حمیری، نشوان بن سعید؛ شمس العلوم و دواء کلام العرب من الكلوم؛ تحقیق حسین بن عبدالله عمری و دیگران؛ بیروت: دارالفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق.
۲۶. خمینی، سید روح‌الله؛ تحریر الوسیلة؛ نجف: مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ق.
۲۷. دورکیم، امیل؛ درباره تقسیم کار اجتماعی؛ ترجمه باقر پرهام؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱.
۲۸. دورکیم، امیل؛ قواعد روش جامعه‌شناسی؛ ترجمه علی محمد کاردان؛ تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۷.
۲۹. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغت‌نامه؛ تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۳۰. دهقان، حمید و مصطفی محقق داماد؛ جرم، دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی؛ تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵.
۳۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داوودی؛ بیروت:

- دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۳۲. رشادتی، جعفر؛ پیشگیری از جرم در قرآن کریم؛ تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷.
۳۳. سلیمانی، حسین؛ «جرایم در حقوق کیفری یهود»، هفت آسمان؛ ش ۱۶، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۴۱-۱۷۶.
۳۴. سیدحسینی ناشی، سیدصادق؛ رابطه جرم و گناه؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۵. شامبیاتی، هوشنگ؛ حقوق جزای عمومی؛ تهران: انتشارات ژوبین، ۱۳۸۴.
۳۶. شاملو، باقر و مهدی کاظمی جویباری؛ «پست مدرنیسم و بازاندیشی مفهوم جرم»، پژوهش حقوق کیفری؛ ش ۱۲، پاییز ۱۳۹۴، ص ۴۳-۶۸.
۳۷. صاحب بن عباد، اسماعیل؛ المحيط فی اللغة؛ تحقیق محمدحسن آل یاسین؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ق.
۳۸. صادقی تهرانی، محمد؛ البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن؛ قم: مکتبه محمد الصادق الطهرانی، ۱۴۱۹ق.
۳۹. صادقی فسایی، سهیلا و ستار پروین؛ «جرم: برساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت»، پژوهش حقوق و سیاست؛ ش ۳۳، تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۱۳-۲۳۴.
۴۰. صافی گلپایگانی، لطف الله؛ التعزیر (أنواعه و ملحقاته)؛ قم: نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
۴۱. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی؛ تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴.
۴۲. طایی، یحیی؛ التعزیر فی الفقه الإسلامی؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۴۳. طباطبایی، سیدعلی؛ ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل؛ قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۱۸ق.
۴۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۵. طبرانی، سلیمان بن احمد؛ التفسیر الکبیر (تفسیر القرآن العظیم)؛ اردن: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
۴۶. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۴۷. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین؛ تحقیق سیداحمد حسینی؛ تهران: المکتبه المرتضویه،

- ۱۳۷۵.
۴۸. طوسی، محمد بن حسن؛ المبسوط فی فقه الإمامیه؛ تحقیق سید محمد تقی کشفی؛ المكتبة المرتضویه، ۱۳۸۷ق.
۴۹. طیب، سید عبدالحسین؛ أطيّب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
۵۰. عالی پور، حسن؛ «ماهیت جرم»، پژوهش حقوق و سیاست؛ ش ۲۸، بهار ۱۳۸۹، ص ۱۷۹-۲۱۴.
۵۱. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۵۲. عبدالباقی، محمد فؤاد؛ المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم؛ تهران: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۴.
۵۳. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن؛ معجم المصطلحات والألفاظ الفقهیة؛ قاهره: دارالفضیله، ۱۴۱۹ق.
۵۴. علیدوست، ابوالقاسم؛ «تبعیت یا عدم تبعیت احکام از مصالح و مفاسد واقعی»، فقه و حقوق؛ ش ۶، پاییز ۱۳۸۴، ص ۹-۳۲.
۵۵. عوده، عبدالقادر؛ التشریح الجنایی الإسلامی مقارناً بالقانون الوضعی؛ قاهره: مكتبة دارالتراث، ۱۴۲۶ق.
۵۶. غلامی، علی؛ «سازوکارهای اجرای قاعده (التعزیر لكل عمل محرم)»، فقه و حقوق اسلامی؛ ش ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۱۷۳-۲۰۴.
۵۷. فاضل لنکرانی، محمد؛ تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة (الحدود)؛ قم: مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۲۲ق.
۵۸. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای؛ قم: مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۰ق.
۵۹. فیض، علیرضا؛ مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام؛ تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
۶۰. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر؛ قم: دارالهجره، ۱۴۰۵ق.
۶۱. قرائتی، محسن؛ گناه شناسی؛ تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۶.

۶۲. قرشی ابن الأخوه، محمد بن محمد بن احمد؛ معالم القرية في أحكام الحسبة؛ تحقيق روبن ليوى؛ كمبريج، دارالفنون، ۱۹۳۷ م.
۶۳. قرشى، سيدعلى اكبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالكتب الإسلاميه، ۱۳۷۱.
۶۴. قیاسی، جلال‌الدین؛ مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
۶۵. کاتینگهام، جان؛ «فلسفه مجازات»، فقه و حقوق؛ ترجمه ابراهیم باطنی و محسن برهانی؛ ش ۴، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۴۷-۱۷۰.
۶۶. کاظمی، جواد بن سعید؛ مسالک الأفهام إلى آیات الأحكام؛ تهران: المكتبة المرتضوية، ۱۳۶۵.
۶۷. کدخدایی، محمدرضا؛ «بررسی فقهی و حقوقی قاعده (التعزیر فی کل معصية)»، فقه اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>، ش ۵۴، تابستان ۱۳۸۷، ص ۹۱-۱۴۲.
۶۸. کرباسی، محمدهدی؛ «ماهیت جرم در فقه و قانون جزا»، معرفت؛ ش ۵۸، مهر ۱۳۸۱، ص ۶۸-۷۶.
۶۹. کعبی، عباس؛ «تطبیق نظام حقوقی اسلام و حقوق وضعی معاصر (۲)»، فقه اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup>؛ ش ۳۷، بهار ۱۳۸۳، ص ۹۵-۱۳۰.
۷۰. کینگ، لئونارد ویلیام؛ قانون‌نامه حمورابی؛ ترجمه آذر وکیل گیلانی؛ تهران: مؤسسه انتشاراتی پویندگان طب، ۱۳۸۳.
۷۱. گارو، رنه؛ مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا؛ ترجمه سیدضیاء‌الدین نقابت؛ تهران: انتشارات حقوقی ابن‌سینا، ۱۳۴۴.
۷۲. گسن، رمون؛ «آیا جرم دارد؟»، تحقیقات حقوقی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ ش ۲۹ و ۳۰، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۶۱-۱۰۲.
۷۳. گیدنز، آنتونی؛ جامعه‌شناسی؛ ترجمه منوچهر صبوری؛ تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.
۷۴. ماوردی، علی بن محمد؛ الأحكام السلطانية والولايات الدينية؛ مصر: شركة مكتبة و مطبعة المصطفى البابي الحلبي و أولاده، ۱۳۸۶.
۷۵. محسنی، مرتضی؛ دوره حقوق جزای عمومی؛ تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.
۷۶. مرعی شوشتری، سیدمحمدحسن؛ دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۷۳.

۷۷. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۷۸. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن؛ تهران: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.
۷۹. معتمد، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۵۱.
۸۰. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۸۱. —؛ نفحات القرآن؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۶ق.
۸۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ تعزیر و گستره آن؛ تحقیق ابوالقاسم علیان نژادی؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۳.
۸۳. ملاحویش آل غازی، سید عبدالقادر؛ بیان المعانی علی حسب ترتیب التزییل (تفسیر القرآن العظیم)؛ دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
۸۴. منتظری، حسینعلی؛ دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة؛ قم: مرکز العالمی للدراسات الإسلامیة، ۱۴۰۹ق.
۸۵. موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم؛ فقه الحدود و التعزیرات؛ قم: دانشگاه مفید، ۱۴۲۷ق.
۸۶. موسوی بجنوردی، سید محمدکاظم؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی؛ تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۸۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ مبانی تکملة المنهاج؛ قم: مؤسسه احیای آثار امام خویی، ۱۴۲۲ق.
۸۸. نجفی خمینی، محمدجواد؛ تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر)؛ تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ق.
۸۹. نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ تحقیق عباس قوچانی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۹۰. وایت، رابرت و فیونا هینز؛ جرم و جرم شناسی؛ ترجمه علی سلیمی و دیگران؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۹۱. ولیدی، محمد صالح؛ بایسته های حقوق جزای عمومی؛ تهران: انتشارات خورشید، ۱۳۸۲.
۹۲. —؛ حقوق جزای عمومی؛ تهران: مرکز نشر داد، ۱۳۷۲.
۹۳. هادوی تهرانی، مهدی و مجید معتضدی؛ «بررسی رویکرد قرآن کریم به مجازات»، پژوهش نامه علوم و معارف قرآن کریم؛ ش ۷، تابستان ۱۳۸۹، ص ۶۵-۹۰.

۹۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام؛ قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۲.
۹۵. هایتریش یشک، هانس؛ «تشابهات و تفاوت‌های حقوق جزایی اسلامی و غربی»، دین و ارتباطات؛ ترجمه حسن رضایی؛ ش ۹، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۰۳-۱۲۲.
96. Clays, St.Ives; *Oxford Dictionary of Synonyms and Antonyms*; university press, London, 2007.
97. Henry Campbell Black, M. A.; *Black's law dictionary*; Sixth Edition, West Publishing Co, 1990.